

عزت نفس و تأثیر آن در سازمان آموزشی

عبدالله خادمی^۱

حمیدالله شریفی^۲

چکیده

شکوه تمدن اسلامی در گرو احساس کرامت نفس و عزت فرد در جامعه است که در پرتو توانمندی‌ها، داشته‌ها، دانش‌ها، فنون و ارزش‌های اسلامی، تجلی می‌یابد. رشد و تثبیت این باور، حاصل عملکرد عزت نفس در سازمان آموزشی و جایگاه آن در برنامه‌های آموزشی است. هدف از پژوهش حاضر ماهیت‌شناسی عزت نفس و تأثیر آن در سازمان آموزشی از دیدگاه قرآن و احادیث بوده است. این پژوهش از نوع مروری بوده که از طریق بررسی اسناد، به گردآوری اطلاعات از کتابخانه‌ها، مدارک علمی و سایر پژوهش‌های انجام‌گرفته، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده است. پرسش اصلی تحقیق این بوده است که عزت نفس در زندگی معنوی و مادی چه اهمیتی دارد و تأثیر آن در سازمان آموزشی چیست؟ یافته‌های پژوهش، نشان داد که عزت نفس به معنای احساس ارزشمند بودن است که منجر به نفوذناپذیری انسان شده و مانع از مغلوب شدن وی می‌گردد. احساس ارزشمندی، تن ندادن به ذلت، پرورش شخصیت موفق، تقویت خودباوری، آراستگی به کمالات اخلاقی و استقلال و خوداعتمادی، از آثار فردی عزت نفس و طاغوت‌ستیزی، تقویت هنجارهای اخلاقی از آثار اجتماعی عزت نفس هستند. تقواگزینی، انگیزه داشتن به کار و تلاش، کسب دانش و مهارت، احساس مسئولیت و توسعه اقتصادی در پرتوی آموزش از عوامل عزت نفس از دیدگاه قرآن و احادیث به شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: عزت نفس، اعتماد به نفس، آراستگی به کمال، تأثیر، سازمان، آموزش.

۱. گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)، کابل، افغانستان؛ ایمیل: abdullahkhadimi12@gmail.com

۲. گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، کابل، افغانستان.

مقدمه

عزت نفس در قرآن و احادیث از جایگاه و اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. عزت نفس باور و اعتقادی است که فرد، در باره ارزش و اهمیت خود دارد. عزت نفس، یکی از پایه‌های اساسی شخصیت آدمی و باعث میل انسان به افتخار و سربلندی است. عزت نفس مایه آزادگی و ولایی همت است. عزتمندان هرگز به ذلت و بندگی دیگران تن نمی‌دهند و سرمایه شرافت و آزادگی خود را با هیچ قیمتی معامله نمی‌کنند. عزت نفس از طرفی برای تمام افراد یکی از بزرگ‌ترین فضیلت‌های اخلاقی است و از طرف دیگر، محرک آدمی در اجرای دیگر برنامه‌های اخلاقی تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، شرافت نفس افزون بر آن‌که خود از نظر فردی صفتی نیکوست، می‌تواند ضامن اجرای دیگر صفات پسندیده در محیط آموزشی، خانواده و اجتماع نیز به شمار آید. بشر، با تمام پیشرفت‌ها در زمینه علوم و تکنولوژی، به علت انحراف اخلاقی و تربیتی، حاکی از عدم وجود یک نظام صحیح تعلیم و تربیت است.

قرآن، کتابی است الهی که برای انسان‌ها نازل شده و در طول قرن‌های متمادی انسان‌های عزتمندی تربیت کرده است که هر یک همچون ستاره پرفروغ در میان جوامع درخشان و به زندگی انسان‌ها معنا بخشیده و زمینه‌ساز حرکت‌های آزادی‌بخش در میان ملت‌ها بوده است. از مهم‌ترین پیامدهای عزت نفس در سازمان آموزشی، داشتن اراده آهنین و قوی است که در انجام برنامه‌های آموزشی احساس درماندگی و شکست نمی‌کند. بنابراین همان‌گونه که اسلام بر اصل عزت تکیه کرده و آن را محور تعلیمات خود قرار می‌دهد، راههای رسیدن به آن و یا تقویت آن را نیز نشان می‌دهد.

اسلام به منظور این‌که همه، با عزت نفس بار آیند و به ذلت آلوده نگردند، در تمام برنامه‌های عبادی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی خود، روح کرامت و عزت را مورد عنایت قرار داده، بلکه تمام آموزه‌های خود را با این خصلت پسندیده، هم‌آوا ساخته است که رعایت آن‌ها عامل پدیدآورنده عزت در سازمان آموزشی است. تحقیق پیش‌رو که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است، در پی

یافتن پاسخ به این پرسش است که عزت نفس در زندگی معنوی و مادی چه اهمیتی دارد و تأثیر آن در سازمان آموزشی چیست؟

۱. مفهوم شناسی

در این بخش به توضیح مفاهیم کلیدی بحث می‌پردازیم:

۱-۱. عزت

عزت از عبارت (أَرْضُ عَزَّاز) که به معنای زمین محکم و نفوذناپذیر است، گرفته شده (اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۳۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۹) و با توجه به لغت و موارد کاربرد آن در قرآن، به معنای نفوذناپذیری، تفوق و برتری است که در حقیقت این صفت، اختصاص به خداوند دارد و لذا عزت برای رسول خدا و مؤمنین اکتسابی است (منافقون، آیه ۸). با توجه به آیات قرآن، ذات خداوند به (العَزِيز) معرفی شده است؛ چنانکه می‌فرماید: «وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» خداوند توانا و حکیم است (بقره، آیه ۲۲۸). واژه عزت با توجه به روایات، سربلندی و ارزشمند دانستن خود، شجاعت، ایستادگی در راه حق، اتکا به خود در نیازها، پرهیز از اظهار نیاز به دیگران و... از مؤلفه‌های معنای عزت نفس هستند (اصفهانی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۱۳۹ و ج ۷۵، ص ۱۱۲). شهید مطهری می‌گوید: از نظر اسلام، مؤمن بایستی حالت مناعت [بلند نظری و بلند طبعی] و احساس شرافت [سرافرازی و ارجمندی] داشته باشد که از آن تحت عنوان عزت نفس تعبیر شده است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۸۱۶).

۲-۱. نفس

نفس در اصل لغت بر خروج نسیم دلالت می‌کند و تنفس نیز به همین معنا است. واژه نفس در کتاب‌های لغت، بیشتر به معنی ذات و حقیقتشی آمده است (قَتَلَ فُلَانٌ نَفْسَهُ) یعنی ذات و حقیقت خودش را هلاک کرد (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۳۳ و ابن فارس، ۱۹۴۶، ج ۵، ص ۴۶۰).

۳-۱. سازمان

سازمان، عبارت است از کوشش جمعی بر اساس روابط منظم و منطقی برای رسیدن

به هدف مشترکی که هر یک از افراد به‌تنهایی از رسیدن به آن عاجزند (قرائی مقدم، ۱۳۷۵، ص ۸۹). سازمان، پوشش‌دهنده مجموعه از فعالیت‌های گوناگونی است که بر اساس اختیار و مسئولیت با یکدیگر ارتباط داشته و توسط نیروی انسانی، بر طبق تقسیم وظایف و شرح وظایف، به اجرا گذاشته می‌شود. ویژگی‌های سازمان به شرح زیر است: الف: سازمان‌ها، سیستم‌های اجتماعی هستند. به عبارت دیگر، انسان‌ها به صورت گروهی در آن‌ها فعالیت می‌کنند. ب: سازمان‌ها، دارای فعالیت‌های هستند که بین آن‌ها هماهنگی وجود دارد. ج: سازمان‌ها، هدف‌دار می‌باشند، بدین معنا که افراد در آن‌ها دارای اهداف معینی هستند.

۱-۴. آموزش

این دو واژه Instruction یا teaching کلمه آموزش معادل واژه انگلیسی است. در انگلیسی به معنای آموزش، تعلیم و تدریس آمده است. گانیه، آموزش را مجموعه از رویدادهای به‌عمد ترتیب داده شده می‌داند که برای حمایت از فرایندهای درونی یادگیری، طراحی شده است (مترجم: علی‌آبادی، ۱۳۷۴، ص ۳۲). دکتر سیف، نیز دو تعریف برای آموزش ارائه می‌کند که یکی اعم از دیگری است. الف: آموزش، عبارت از فعالیت‌های است که به منظور ایجاد یادگیری در یادگیرنده، از جانب آموزگار و یک یا چند یادگیرنده، به کنش متقابل جریان می‌یابد (سیف، ۱۴۰۰، ص ۱۴). ب: آموزش، به هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طراحی شده گفته می‌شود که هدف آن ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است (همان، ص ۱۵).

۲. جایگاه عزت نفس

در این بخش به ابعاد و فروعات جایگاه عزت نفس از دیدگاه قرآن و احادیث پرداخته می‌شود:

۲-۱. عزت حقیقی و اختصاصی

عزت در حقیقت به خداوند - جل‌شانه - اختصاص دارد به دلیل اینکه به جز از خداوند متعال دیگر موجودات در ذات خود فقیر است و ذلت در مورد موجودات صادق

است به طوری که مالک هیچ چیزی نیست مگر آنکه خداوند از لطف و رحمت خود برای بندگان خود بهره از سعادت و کمال را بخشش کند که البته این کار را با بندگان مخلص خود انجام خواهد داد. قرآن می فرماید: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِغُّوهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ یعنی همان ها (منافقان) که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می کنند. آیا عزت و آبرو نزد آنان می جویند؟ با اینکه همه عزت ها از آن خداست؟ (نساء، آیه ۱۳۹).

گاهی از عزت مذموم حکایت می کند و آن، نفوذناپذیری در برابر حق، روی برگرداندن از حق پذیری و تأکید بر کج روی ها است که در واقع خود ذلت است؛ چنانچه قرآن در این زمینه می فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ»؛ و هنگامی که به آن ها گفته شود از خدا بترسید (لجajt آنان بیشتر می شود) و لجajt و تعصب، آن ها را به گناه می کشاند (بقره، آیه ۲۰۶). مقصد منافقان برای به دست آوردن عزت و عظمت متوسل شدن به کافران و ولایت آن ها است در حالی که این گونه نیست بلکه عزت و عظمت از خداوند است و او شایسته عزت و شکوه است و متوسل شدن به ولایت کافران مایه سرشکستگی و نابودی است و اعتماد بر آنان زیان است و سودی ندارد چون از عزت حقیقی بهره ندارند. بنابراین همراهی با کفار موجب ذلت می شود که آثار مخرب در جهت توسعه و نوآوری در زمینه صنعت و غیره می شود.

۲-۲. عزت اکتسابی و غیر ذاتی

در این بخش به شاخص های عزت اکتسابی و غیر ذاتی از دیدگاه قرآن و احادیث می پردازیم:

۲-۲-۱. عزت فردی

عزت فردی یا حرمت نفس فردی، احساسی است که انسان در مورد ارزش های خود دارد به عبارت دیگر، معیاری است که با توجه به آن خود را تأیید می کنند. در واقع آن عزت نفسی برای انسان می تواند مفید باشد که از عزت الهی سرچشمه گیرد و از او انتزاع شود. لذا قرآن کریم می فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»؛ عزت مخصوص خداوند و رسول او و مؤمنان است (منافقون، آیه ۸). در این سوره از قرآن

کریم کلمه عزت در معنای لغوی استعمال شده است؛ یعنی شکست‌ناپذیری، غالب شدن؛ کلمه «عزت» ده بار در قرآن آمده و «عزیز» ۹۲ بار در قرآن به صراحت آمده که در واقع بیانگر توانایی، اقتدار و عزت خداوند است. در این آیه، عزت به معنای ویژه به کار رفته و مختص به خداوند و پیامبر و مؤمنین است و مؤمنین در صورتی به عزت می‌رسد که به اوامر الهی عمل کند و از نواهی دست بکشد و هر عمل نیکی را که انجام می‌دهد خالص برای خداوند باشد.

عزت فردی یعنی فرد انسان‌ها باید دارای این روحیه باشند. خود ارزشمندی و اهمیت برای خود، در جان همه بنی آدم است، نهایت اینکه در اثر علل و عواملی چون تربیت، آموزش و پرورش، والدین، اجتماع و نوع حکومت، تقویت یا تضعیف می‌شود. آموزه‌های دینی، عزت فردی را مورد توجه قرار داده و در واقع، از فرد سازی آغاز می‌کند. خداوند در قرآن کریم از مؤمنین دعوت می‌کند که برای رسیدن به عزت حقیقی و مستدام تنها راه نجات، متوسل شدن به مبدأ هستی و وجود خداوند است چون که باور داشتن به عزت و اقتدار مطلق خداوند یگانه عامل بازدارنده عزت و قدرت وهمی و خیالی کافران است در صورتی که اگر منافقان راه رسیدن به عزت را تنها به ولایت‌پذیری کافران بدانند نوعی نفاق سیاسی محسوب می‌شود که از باورهای نادرست شکل گرفته است که این پذیرش بیانگر روح ضعیف و عدم استقلال آن‌ها در تمام عرصه‌های خلق تمدن و سیاست است، اما در مقابل، مؤمنان به خداوند ایمان دارند و مطلق قدرت را از آن خدا می‌دانند و از نگاه سیاسی نیز عزت دارند و هرگز سر بر آستانه بیگانه نمی‌گذارند. در حقیقت به دست آوردن عزت، تنها در پذیرفتن ولایت الهی امکان‌پذیر است. هم چنانکه قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ یعنی تمام عزت (و قدرت) از آن خداست (یونس، آیه ۶۵).

پس برای به دست آوردن عزت و کرامت، چرخیدن در مدار خط توحید است و مجهز شدن به اخلاق حسنه می‌باشد. در ظل عزت خداوند است که جامعه اسلامی بر مشرکین، کفار و منافقان مسلط می‌شود و همیشه عزتمند زندگی می‌کنند. در تأیید این موضوع قرآن می‌فرماید: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»؛ و خداوند کسانی

را که یاری او کنند و از آیینش دفاع نمایند، یاری می‌کند (حج، آیه ۴۰). بنابراین، انسان توانایی عزتمند شدن را در پرتو عزت خداوند دارد در حالی که ذلیل شدن در اثر دوری از خداوند و اطاعت از نفس اماره است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ»؛ و تا خداوند، افراد باایمان را خالص گرداند و ورزیده شوند و کافران را به تدریج نابود سازد (آل عمران، آیه ۱۴۱). از این آیه چنین نتیجه می‌گیریم که برای عزتمندی لازم است که اسباب آن‌ها از جمله ایمان، تقوا، عمل خالص، همت بلند و حمیت و رفتن به مسیری که اولیای الهی تعیین کرده فراهم آورد تا برای رسیدن به قلعه عزت، هیچ چیزی نتواند او را از پا در آورد و توان تضعیف ایمان را نداشته باشد. تقوا داشتن، عمل خالص انجام دادن، همت بلند و رفتن به مسیر پیامبران به تعلیم ضرورت دارد. بنابراین، بدون رهنمایی و آگاهی انسان ممکن است به خطا برود پس راه برون رفت از خطاها، آموزش درست است و این آموزش هم وقتی تحقق می‌یابد که در سازمان آموزشی عزت نفس حاکم باشد و سازمان آموزشی زمانی به عزت می‌رسد که فرد فرد جامعه در آن سازمان آموزشی به تعلیم پردازد.

۲-۲-۲. عزت اجتماعی

عزت اجتماعی، در حوزه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، آموزشی ظهور می‌کند. راه‌های رسیدن به عزت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم یعنی رهای از تمام قدرت‌ها و وابستگی‌های بیگانگان است چنانچه خداوند می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است (نساء، آیه ۱۴۱). امام حسین^(ع) در سراسر عمر و به‌ویژه در کربلا و بیعت نکردن با یزید، از عزت نفس سخن گفت؛ جایگاه عزت نفس را می‌توان از سخنان انقلابی امام حسین^(ع) در حادثه عاشورا فهمید. جمله مشهور امام حسین^(ع) در حادثه عاشورا این بود که: «الْمَوْتُ خَيْرٌ مِّنْ رُّكُوبِ الْعَارِ» مرگ از متحمل شدن یک تنگ بهتر است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۱۹۲). جمله تاریخی دیگری امام حسین^(ع) است که در زمان‌های بعدی برای شیعیان در قالب شعار درآمد این است که: «مَوْتُ فِي عِزٍّ



خَيْرٌ مِّنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ؛ مردن با عزت از زندگی با ذلت بهتر است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۱۹۲).

عزت در باره انسان نیز از همین مبنا سرچشمه می‌گیرد و به معنای نگهداری حیثیت و شخصیت و عدم کرنش و دیوژگی در برابر صاحبان زر و زور و تزویر است. عزت اجتماعی و سیاسی تابع عزت نفس فردی است زیرا اگر فرد فرد افراد جامعه از عزت نفس فردی برخوردار نباشند، نمی‌توان از عزت اجتماعی سخن گفت. بنابراین تقویت روحیه عزت نفس به معنای تقویت جامعه و افزایش عزت اجتماعی برای آن جامعه است و عزت اجتماعی با چنگ زدن به ریسمان الهی و با ایجاد رابطه با خداوند حاصل می‌شود و در پرتو بهره‌مندی از تعالیم انبیا و اولیای الهی خود و جامعه را به سر منزل مقصود برساند. بنابراین، نتیجه عزت اجتماعی این است که جامعه‌الگو و اسوه تشکیل بشود و همه آن جامعه را بزرگ و با عظمت بپندارند و سعی کنند در حرکت اجتماعی، خود را با آن الگو تطبیق بدهند و اتحاد خودشان را حفظ کنند. بنابراین، عزت و سربلندی انسان‌ها به اتحاد و چنگ زدن به ریسمان الهی بستگی دارد.

«واعتصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید (آل عمران، آیه ۱۰۳). در بعد اجتماعی، حس ارزشمندی و کرامت در بین اجتماع و چگونگی نگاه مردم به وی ارتباط مستقیم با وجود عزت نفس دارد. در این مورد متون اسلامی نیز به شیوه نگاه به مردم و حس ارزشمندی بین مردم و انواع آن اشاره کرده است و مواردی چون تقوا، عمل صالح و مهم‌تر از همه آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند عنوان کرده است (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۲۸۵). امام حسن مجتبی^(ع) در زمینه پیروی از دستورات الهی که در نتیجه به عزت‌مندی منتهی می‌شود و دوری از نواهی الهی که در صورت ارتکاب آن‌ها منجر به ذلت می‌شود می‌فرماید: «إِذَا أَرَدْتَ عِزًّا بِلَا عَشِيرَةٍ وَ هَيْبَةً بِلَا سُلْطَانٍ، فَاخْرُجْ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ»؛ اگر خواستار عزت بدون داشتن قوم و خویش و طالب شکوه بدون سلطنت باشید؛ به جای ذلت و نافرمانی خداوند، به سوی عزت

و اطاعت از خداوند حرکت کن (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴، ص ۱۳۹). در این حدیث اطاعت از فرمان الهی را موجب نجات انسان‌ها می‌داند و تخلف از دستورات الهی را موجب سرشکستگی و ذلت معرفی نموده است.

۳. عوامل عزت نفس در سازمان آموزشی

بر این اساس احساس ارزشمندی و ارزیابی افراد از آموزش خویش که در آن ملاک‌های تحصیلی معیار سنجش است، باعث وجود عزت نفس آموزشی می‌شود. مدارج علمی بالاتر در افزایش عزت نفس مؤثر است. اولین آیات نازل شده بر پیامبر به ارزش و علم و معرفت و قلم پرداخته است، ازاین‌رو، این مهم نیز در قرآن بسیار مورد تأکید است و مسئله با این اهمیت عزت نفس بالا خلق می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛ پروردگارا در میان آن‌ها پیامبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و آن‌ها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند، زیرا تو توانا و حکیمی (بقره، آیه ۱۲۹).

۳-۱. معنویت و تقواگزینی

یکی از مهم‌ترین عوامل و ابزار به دست آوردن عزت مؤمنانه، تقواگزینی است، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَكُتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» او کسی است که بر شما درود و رحمت می‌فرستد و فرشتگان او نیز برای شما تقاضای رحمت می‌کنند تا شما را از ظلمات (جهل و شرک گناه) به‌سوی نور (ایمان و علم و تقوا) رهنمون گرداند (احزاب، آیه ۴۳). در اینجا از نور تعبیر به ایمان و علم و تقوا شده است در واقع این سه تا ویژگی در کنار هم آمده است که ایمان بدون علم ناقص است و علم بدون تقوا هم ناقص است این سه ویژگی لازم و ملزوم هم دیگرند در واقع به این نکته دست می‌یابیم که تأثیر تقوا و عدالت در یک سازمان آموزشی مثل تنفس موجود زنده است، غریزه حفاظت از ذات، یک غریزه طبیعی و اولین قانونی است که انسان از زمان پیدایش خود، در

فطرت، از آن متابعت و زنده بودن خود را در این راه سوق می‌دهد. این غریزه که از جمله گرایش‌های معنوی و روحانی انسان است، همواره به انسان بیداری می‌دهد که تا هم‌سان با طبیعتش زندگی کند.

امام علی^(ع) می‌فرماید: «لَا عَزَّ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى»؛ هیچ عزتی عزیزتر از تقوا و پرهیز گاری نیست (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱، ص ۳۳۶)؛ نه تنها تقوا عزت‌آفرین است که خود بزرگ‌ترین کرامت و عزت است؛ زیرا تقوا نیروی روحی، متعالی و مقدس است که منشأ کشش‌ها و گریزها می‌شود کشش به سوی ارزش‌های معنوی و فوق حیوانی و گریز از پستی‌ها و آلودگی‌ها و نتیجه این دو، مسلط شدن آدمی بر خود است. به همین جهت امام علی^(ع) تقوای عزت‌آفرین را حفاظ و پناهگاه و مصونیت معرفی فرموده است: بندگان خدا بدانید که تقوا حصاری بلند و غیرقابل تسلط است و بی‌تقوایی و هرزگی، حصاری است که مانع و حافظ ساکنان خود نیست و آن‌کس که به آن پناه ببرد حفظ نمی‌کند. همانا با تقوا از نیش گزندۀ خطاها بریده می‌شود (نهج البلاغه، خ ۱۵۷، ج ۱، ص ۱۴۷).

۳-۲. ایجاد انگیزه

انگیزه داشتن به کار و تلاش به عنوان عامل مهمی در رشد معنوی و تربیتی و آموزشی و سلامت فکری و معیشتی انسان، موضوعی است که قرآن کریم در آیات متعدد انسان را به آن دعوت و توصیه نموده است. قرآن کریم با ایجاد شناخت از طریق عقل، قلب و قوای حسی و با تحریک میل و انگیزه و جهت‌دهی غرایز، انفعالات، عواطف و احساسات و توجه دهی به قدرت و حرکت‌گیری به برکت استعانت از قوه و قدرت الهی زمینه را برای شکل‌گیری کار و تلاش در صحنه عمل برای انسان فراهم آورده است و بر شأن این موجود مختار و انتخاب‌گر برای کارهایی که کمال و تعالی او را فراهم آورد با تعلیم و تربیت، با کارآفرینی و توصیه به کسب تخصص در حرفه و کار افزوده است. «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ»؛ پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می‌شوی به مهم دیگری پرداز (انشراح، آیه ۷).

در آیات و روایات کار کردن و تلاش مثبت رویکرد کاملاً آخرت‌گرایانه داشته و

ارزش کار و کارگر و فعالیت کسی که به دنبال معیشت حلال و طیب است عبادت محسوب گردیده تا آنجا که اگر در این مسیر کشته شود شهید از دنیا رفته است و اجر و پاداش شهدا را دارد؛ و خداوند هادی و هدایت‌گر این مجاهدان می‌باشد «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»؛ آن‌ها که در راه ما با خلوص نیت جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد (عنکبوت، آیه ۶۹)؛ و هم‌چنین تعدادی از آیات به مشاغل پیامبران بزرگوار الهی پرداخته که آن‌ها در کنار رسالت‌مندی و هدایت‌گری برای جامعه اسلامی اشتغال به کار و فعالیت داشته تا هم معاش خویش را تأمین نمایند و هم دیگران را در این مسیر تشویق به کار و تلاش کنند. در روایتی از امام هادی^(ع) نقل شده است: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ»؛ کسی که نزد خودش احساس شخصیت نکند، از شر او ایمن نباش (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۸۳).

قرآن کریم در آیات دیگر انسان را تشویق و ترغیب به کار و تلاش نموده است «إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى» یعنی سعی و تلاش شما مختلف است (لیل، آیه ۴)؛ و چنانکه در آیه دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ»؛ و آن کسی که سرای آخرت را بطلبد و سعی و کوشش خود را برای آن انجام دهد، در حالی که ایمان داشته باشد، سعی و تلاش او از سوی خداوند پاداش داده خواهد شد (اسراء، آیه ۱۹).

در آموزه‌های قرآنی و روایی، کار در ردیف عبادت آمده است. تا آنجا فضیلت کسی که برای روزی خود تلاش می‌کند، برتر و بالاتر از عابد بی‌کار شناخته شده است و در مقابل، تنبلی و بی‌کاری مظهر نقص، پوچی و ابتذال معرفی شده است؛ بنابراین عزت نفس در سازمان آموزشی باعث رشد معنوی، خلاقیت، نوآوری، مردم‌دوستی، انگیزه خدمت، انگیزه تلاش و کار، پیشرفت علم و دانش می‌شود.

۳-۳. توسعه دانش‌ها و مهارت‌ها

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»؛ او کسی است که در میان جمعیت درس‌نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت

می‌آموزد هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند (جمعه، آیه ۲). در این آیات، سه هدف کلی از بعثت پیامبران الهی را بیان می‌کند:

الف) تلاوت آیات الهی: تلاوت در لغت به معنای پی در پی آوردن چیزی است و هنگامی که عبارتی را پشت سرهم و روی نظام صحیحی بخوانند، عرب از آن تعبیر به تلاوت می‌کند و در واقع خود، مقدم‌های برای آمادگی و بیداری برای تعلیم و تربیت است و در واقع این آیه به یادگیری دانش و مهارت‌های دانش اشاره می‌کند در این آیه هدف بعثت پیامبر تعلیم و حکمت بیان شده است.

ب) تعلیم کتاب و حکمت: بدون آموزش و فراگیری اصول کلی و تشریح آن‌ها با گفتار و عمل و بیان فلسفه هرکدام از اصول، تربیت و پرورش استعدادها میسر نمی‌شود؛ ازاین‌رو آموزش یک هدف به شمار می‌آید ولی به‌تنهایی کافی نیست. شاید مقصود از کتاب همین کتاب آسمانی باشد و مراد از حکمت، علوم، دانش‌ها، اسرار و علل و نتایج احکام است که از طرف پیامبر تعلیم می‌شود. ج- تزکیه: ریشه این واژه از زکات به معنی رشد و نمو است و آنگاه که از تزکیه نفس سخن می‌گوییم، هدف رشد و تعالی نفس به واسطه امور خیر و بابرکت است؛ به گونه‌ای که شخص در دنیا شایسته اوصاف پسندیده و در آخرت به پاداش نیک برسد.

خداوند در سوره مبارکه احزاب می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»؛ به‌یقین رسول خدا برای شما و آنان که به خدا و روز قیامت امیدوارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند سرمشق نیکویی است (احزاب، آیه ۲۱). در جای دیگر می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛ یعنی و ما تو را به رسالت نفرستادیم، مگر به‌منزله رحمتی برای جهانیان (انبیاء، آیه ۱۰۷). اگر قرار است مسلمانان شبیه به پیامبر خود رفتار کنند تا رستگار شوند، پس سازمان اجتماعی و سازمان آموزشی مسلمانان نیز هنگامی در طریق رستگاری گام برمی‌دارند که به رسول خدا^(ص) تأسی نمایند. سازمانی که وجودش هیچ‌گونه شر و ناراستی در پی ندارد؛ منبع خیر و رحمت گستری و افاضه فیض برای کارکنان خود، دانش آموزان خود و محیط اجتماعی فعال در آن و گام به‌سوی رضای

حق تعالی است. سازمان آموزشی مثل مکتب انبیا می ماند که راهی است برای نجات و هدایت گم گشتگان؛ نبوت صرفاً به ابلاغ پیام ختم نمی شود بلکه متوقف بر ارائه الگو و نمونه و دلیل و رهنماست، از سوره مؤمنون می توان دریافت که عزت نفس در سازمان آموزشی یکی از مهم ترین رکن در سازمان آموزشی است؛ بنابراین اگر در سازمان آموزشی همه کارکنان احساس مسئولیت نکنند بی فایده و نتیجه مطلوب نخواهد داد. هر سازمانی که بخواهد با الگوگیری از پیامبر (ص) توسعه یابد باید بتواند این گونه ویژگی ها را در خود نهادینه سازد، سازمان که الگوگیری خود را از سازمان نبوت و حکمت می گیرد مقاوم و مسئولیت پذیر است که تبدیل به یک سازمان با ویژگی های حافظ محیط زیست و هادی آحاد جامعه و سبقت گیرنده در توسعه علم، خیر و نیکی می شود. خداوند در سوره «نحل» به یک قاعده کلی که مبنای تعلیم و تربیت است اشاره نموده و می فرماید: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ از آگاهان سؤال کنید اگر نمی دانید (نحل، آیه ۴۳). این آیه گرچه در باره ویژگی های پیامبران پیشین نازل شده که آن ها هم از جنس بشر بودند و در ظاهر با انسان های دیگر فرقی نداشتند؛ ولی می دانیم مورد آیه، مفهوم گسترده آن را محدود نمی کند؛ و حکم بر عمومیت باقی است. این در واقع یک اصل اساسی است که همه عقلای عالم بر آن صحه می گذارد که همیشه «ناآگاهان باید از آگاهان فراگیرند» به علت اینکه علوم و دانش ها در حقیقت نتیجه تفکر و اندیشه و تجربه های است که پیشینیان به دست آورده و برای آیندگان می گذارند؛ آن ها نیز بر آن افزوده به نسل های بعد انتقال می دهد؛ به همین جهت علم و دانش بشر روز به روز تکامل می یابد و نیز به همین دلیل موضوع تعلیم و آموزش پایه اساسی هرگونه پیشرفت و ترقی اجتماعی بشر در بعد معنوی و مادی را تشکیل می دهد.

۳-۴. احساس مسئولیت

هرکسی را وظیفه و عملی است، انسان آفریده مسئول است و با داشتن عقل بر سایر موجودات برتری یافته است. خداوند متعال به شرط پذیرش مسئولیت و تعهد، نعمات زیادی را به او بخشیده است. هر فردی از نگاه های مختلف تکالیفی بر دوش خود

دارد و یا به تعبیر دیگر مسئولیتی بر عهده اوست. از آنجاکه انسان در ارتباط با سطوح مختلف از جمله ارتباط با خالق خویش، ارتباط اجتماعی و ارتباط محیط زیستی و ارتباط با خانواده دارد، نوع مسئولیتش نیز متفاوت است. قرآن می‌فرماید: «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ»؛ خداوند هیچ‌کس را، جز به اندازه توانایی‌اش، تکلیف نمی‌کند. انسان هر کار نیکی را انجام دهد، برای خود انجام داده و هر کار بدی کند، به زیان خود کرده است (بقره، آیه ۲۸۶). بنابراین، مقصود از تکلیف در این آیه، مسئولیت است. در اینجا لازم است این انجام مسئولیت بر معیار اصول باشد که در واقع معیار این اصول را در واقع علم تعیین می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ»؛ به یقین هم از کسانی که پیامبران به‌سوی آن‌ها فرستاده شدند سؤال خواهیم کرد و هم از پیامبران سؤال می‌کنیم (اعراف، آیه ۶). بنابراین می‌فرماید: که مردم و پیامبران نسبت به کار و مسئولیتی که آن را عهده‌دار شده‌اند مورد محاسبه قرار می‌گیرند.

۳-۵. توسعه اقتصادی

افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه و ریشه‌کنی فقر و ایجاد اشتغال، اهداف توسعه اقتصادی است که هر دو در راستای عدالت اجتماعی است. نگاه به توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه‌یافته، هدف اصلی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالی که در کشورهای عقب‌مانده، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است، توسعه اقتصادی یکی از اصطلاحات اقتصادی به معنای رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی است، توسعه، حدود مرز و سقف مشخصی ندارند بلکه به دلیل وابستگی آن به انسان، پدیده کیفی است برخلاف رشد اقتصادی که کاملاً کمی و هیچ محدودیتی ندارد. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که فرمود: «لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ، وَلَكِنَّ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ»؛ بی‌نیازی در کثرت مال زیاد نیست، بلکه بی‌نیازی حقیقی در بی‌نیازی نفس است (نراقی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۴۴). توسعه اقتصادی دو هدف اصلی را دنبال می‌کند: الف: افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه و

ریشه‌کنی فقر؛ چنانچه خداوند در این زمینه می‌فرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؛ از نعمت‌های خداوند بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد (اعراف، آیه ۳۱). بنابراین، در این آیه به ارزش‌های رشد اقتصادی و افزایش ثروت و خشکانیدن ریشه فقر تأکید شده است، هدف این آیه درباره فقر است که عامل بسیاری از خشونت‌ها و ظلم و بی‌عزتی می‌شود، بنابراین خودکفا بودن در مسائل اقتصادی دست بیگانگان از دخالت در امور زندگی مسلمانان کوتاه می‌شود و مردم را به عزت می‌رساند و این رسیدن به اقتصاد مطلوب تنها از راه آموزش درست امکان‌پذیر است و عزت در سازمان آموزشی کار آیی دارد. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ إِسْتِيلَابٌ لِلْعِزِّ وَ مَذْهَبُهُ لِلْحَيَاءِ وَ الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ عِزٌّ لِلْمُؤْمِنِ فِي دِينِهِ وَ الطَّمَعُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ»؛ حاجت خواستن از مردم باعث سلب عزت و رفتن حیا می‌شود و نومی‌دی از آنچه دست مردم است، موجب عزت مؤمن است در دینش و طمع فقری حاضر و آماده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۴۱).

ب: ایجاد اشتغال که این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است، خداوند در همین راستا می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِنَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ و اموال یکدیگر را به باطل و ناحق در میان خود نخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، قسمتی از آن را به‌عنوان رشوه به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید، این کار، گناه است (بقره، آیه ۱۸۸). در واقع این آیه به عدالت اجتماعی تصریح می‌کند و اصرار بر این دارد که اموال دیگران را به باطل نخورید در واقع به اقتصاد توجه نموده و رعایت عدالت را در این زمینه بیان نموده است. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «شَيْعَتُنَا مَن لَا يَسْأَلُ النَّاسَ وَ لَوْ مَاتَ جُوعًا»؛ شیعه ما از مردم چیزی را تقاضا نمی‌کند گرچه از گرسنگی بمیرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶، ص ۱۵۸). یکی از عاملی که می‌تواند عزت نفس را آدمی را از بین ببرد و باعث از بین بردن ایمان شود فقر است امام سجاد^(ع) می‌فرماید: «مَا أَحَبُّ أَنْ لِّي بِذُلِّ نَفْسِي حُمَرُ النَّعَمِ»؛ دوست ندارم دارای شتران سرخ‌مو و ثروت کلان

باشم، ولی در برابر تحصیل آن، لحظه‌های تن به ذلت دهم (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۶۴).

بنابراین، در روایت تأکید به صبر می‌کند در وقتی که حاجت خواستن از نااهلان و کسانی که در دادوستد خود خسیس باشند و یا این که کسانی که در برآوردن حاجت از روی قصد و عمد کوتاهی می‌کنند. طبق این حدیث حاجت خواستن از چنین افرادی خسیس مذمت شده است.

۴. دستیابی به نیازهای آموزشی در پرتو عزت

هدف رسالت پیامبران و هدف ارسال کتاب‌های آسمانی و هدف قانون‌گذاری شریعت و سپردن تکالیف و وظایف بالای انسان‌ها، همه این موارد در راستای تربیت انسان و هدایت او به راه راست و یکتاپرستی و حرکت بر مدار توحید، یعنی معرفت خالق هستی و مزین به فضیلت انسانی و بیزاری جستن از پستی‌ها و خوی حیوانی است؛ هم چنانکه آیات و روایات فراوان بر این حقیقت تأکید دارند و اساساً فلسفه تشکیل حکومت دینی و نصب کارگزاران شایسته و صالح در رأس امور، قانون‌گذاری برنامه‌های هم چون امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام دین به تعلیم و تعلم، همان تربیت انسان به تربیت الهی و نیل او به قله بلند معرفت و عبودیت است. آدمی در آغاز ولادتش، فاقد علم، ادراک، تربیت و کمال است و به تدریج با آموزه‌های مستقیم و غیرمستقیم، استعدادهای نهفته او به فعلیت رسیده و رشد می‌یابد، قرآن می‌فرماید: «وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُم مِّنْ بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْاَبْصَارَ وَ الْاَفْنِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ»؛ و خداوند، شما را از شکم مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشم و عقل قرار داد تا شکر نعمت او را به جا آورید (نحل، آیه ۷۸). بنابراین، دین مقدس اسلام در تمام حیطه‌ها، برنامه‌های مخصوص دارد از آن جمله برنامه‌ها به تربیت انسان‌ها در تمام قلمرو مراحل زندگی انسان‌ها پرداخته است تا زمینه رشد و توسعه و کمال معنوی را فراهم سازد. چون انسان تا خودش را نشناسد و ارتباطش را با محیط و اطرافیان و خالق

هستی شناسد و نداند که در کجا گام نهاده و به کدام مسیر در حال گردش است هرگز به تکامل انسانی خود دست نخواهد یافت، باید توجه داشت که تنها راه نجات و سعادت، تعلیم و تربیت است و از این طریق به دست می آید. افزون بر این نکته، عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت را در چند مسئله بیان می کنیم تا اهداف بزرگ پیامبران الهی نیز روشن شود:

۴-۱. نیاز فردی

با وجود اینکه در نهاد انسانها، باورهای هم چون خوبی و بدی وجود دارد، بلکه این نیرو از ناحیه آموزش و پرورش برجسته شده و طبق اصول اسلامی این باورها سامان می یابد. چنانچه قرآن کریم می فرماید: «وَنَفْسٍ وَّ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»؛ و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را آفریده و منظم ساخته و سپس فجور و تقوا، شر و خیرش را به او الهام کرده است (شمس، آیه ۸، ۷). یکی از نیازهای فردی انسان تعلیم و تربیت است و این تربیت تنها در پرتو عزت نفس شکوفا می شود و آموزش در سازمان آموزشی تحقق می یابد و عزت نفس در سازمان آموزشی باعث استقرار و پیشرفت می شود به این گونه که در سازمان آموزشی افرادی باید تربیت شوند که از اعتماد به نفس خوب و از عزت نفس برخوردار باشند. خداوند در سوره بقره در باره فراگیری علم و دانش می فرماید: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»؛ دانش و حکمت را به هر کس بخواهد و شایسته باشد می دهد و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است و جز خردمندان، این حقایق را درک نمی کنند و متذکر نمی گردند (بقره، آیه ۲۶۹). روشن است که منظور از تعبیر «مَنْ يَشَاءُ» یعنی آن کسی را که خداوند بخواهد، این نیست که خداوند، حکمت و دانش را بی جهت و بدون مقدمه به این و آن نمی دهد، بلکه همان گونه که می دانیم، مشیت و اراده خداوند همواره آمیخته با حکمت او است؛ یعنی آن را به کسی که شایسته باشد می بخشد و این شایستگی یا بر اثر تلاش و کوشش هر چه بیشتر و تحمل و مشقت تحصیل علم، یا خودسازی و تقوا - که سرچشمه روشن بینی و فرقان الهی است - و یا عزت نفس؛ حاصل می گردد.

۴-۲. نیاز حیاتی

برطرف‌سازی نیاز درست نیازهای حیاتی مثل دستیابی به فن و مهارت برای مالک شدن اشیا و حفظ ماندن از خطر، تنظیم مناسبات اقتصادی و اجتماعی و تأمین پاکیزگی و پاکی. «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ»؛ امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده (مائده، آیه ۵). آموزش تنها هدف واسطه تعلیم و تعلم است که مواجهه درست و مؤثر با دشواری‌های که در هر زمان و در هر جامعه پیش می‌آید، نیازمند کسب دانش و مهارت است.

۴-۳. نیاز فکری

اولین نیازی که انسان‌ها در زندگی خود دارند روش استفاده صحیح از فکر و اندیشه است، بنابراین، وقتی این نیاز به درستی برطرف می‌شود که بر اساس تعلیم و تربیت بچرخد، این نیاز تنها در سازمان آموزشی برآورده می‌شود و سازمان آموزشی هنگامی به این نیاز پاسخ خواهد داد که کارکنان و دانش آموزان و همه افراد در آن سازمان از اعتماد و عزت نفس برخوردار باشند. چنانچه خداوند در قرآن کریم در باره اندیشه انسان می‌فرماید: «كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»؛ این چنین خداوند آیات را برای شما روشن می‌سازد، شاید اندیشه کنید (بقره، آیه ۲۱۹). زمانی که اندیشیدن هدف آموزش و یاد دادن باشد، توجه بر آن است که دانش آموز به دانستن معلومات ویژه در مورد یک پدیده مشخص اکتفا نکند، بلکه در مرحله انتزاعی تر به این درک برسد که چگونه آن پدیده به مرحله شناخت درآمده است که نتیجه این درک، دقت عالمانه نسبت به پدیده‌های که در محیط و اطراف و دور شدن از سطحی نگری است. در واقع، اندوخته‌های علمی همچون آبی است که به آسیاب اندیشه ریخته می‌شود تا آن را به چرخش درآورد.

۴-۴. دستیابی به بینش و بصیرت

یکی از امتیازات انسان دارا بودن از نیروی عقل و خرد است که او را از حیوانات جدا می‌کند. این استعداد می‌تواند انسان را از مرتبه مادی بالاتر ببرد و به رشد و سعادت

معنوی برساند. بر اساس فرمایشات دین، این رشد زمانی به مرحله ظهور می‌رسد که انسان از بینش صحیح و هموار بهره جوید و از حقایق عالم اطراف خود به معرفت برسد. خداوند در باره بینش و بصیرت می‌فرماید: «قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا»؛ موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا آنچه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی (کهف، آیه ۶۶). گاهی علم و بصیرت در یک معنا به کار می‌روند اما با این تفاوت که انسان زمانی که به بصیرت می‌رسد یعنی به شناخت حقیقت امور دست پیدا می‌کند و زمانی که نسبت به امور علم پیدا می‌کند ممکن است به حقیقت رسیده باشد و ممکن است به حقیقت نرسیده و غفلت کرده باشد. خداوند در قرآن در این باره می‌فرماید: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»؛ فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت و پایان کار غافل‌اند (روم، آیه ۷).

بنابراین قرار گرفتن بینش به درجه هدف در مراحل تعلیم و تعلم، حکایت‌کننده از آن است که تعلیم باید به وجود آورنده نگاهی همه‌جانبه در متعلم، نسبت به جهان شود. با در نظر داشت این واقعیت که یکی از امتیازات علم در سطح نهایی، یکپارچه بودن آن است وجود بینش در متعلم او را از ناهماهنگی ذهنی دور می‌کند و واقعیت نهایی جهان را برایش آشکار می‌سازد. در این زمینه قرآن می‌فرماید: «قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَائِرٍ»؛ موسی گفت: تو می‌دانی این آیات را جز پروردگار آسمان‌ها و زمین برای روشنی دل‌ها نفرستاده است (اسراء، آیه ۱۰۲).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب و مباحثی که پیرامون عزت نفس و تأثیر آن در سازمان آموزشی براساس آیات قرآن کریم و احادیث و متون دینی مورد بحث قرار گرفت؛ نتایج ذیل به دست آمده‌اند:

طبق رهنمودهای قرآنی، عزت در اصل به خداوند متعال اختصاص دارد و منبع عزت و کرامت خداوند متعال است. عزت نفس و احساس ارزشمندی که از

سرمایه‌های بزرگ انسان و منشأ کسب دیگر ارزشهای اخلاقی و معنوی است، در اثر ایمان به خداوند متعال، عمل صالح، کوشش انسان و البته توفیق خدای عزوجل به دست می‌آید. لذا عزت فردی، که همان حس ارزش داشتن خود است در واقع از عزت الهی سرچشمه می‌گیرد.

عزت نفس اکتسابی از یک نگاه به فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. راه‌های رسیدن به عزت نفس فردی تقویت ایمان به خداوند متعال، خودباوری و اعتماد به نفس، احساس ارزشمندی و کرامتی انسانی است. راه‌های عزت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم اتکا به نیروی لایزال الهی، تقویت حس استغنا و خودکفایی، کوشش و تلاش در راستای اهداف مقدس، بیعت نکردن با طاغوت و صاحبان زر و زور و تزویر یا رهایی از تمام قدرت‌ها و وابستگی‌های بیگانگان است.

عزت نفس در سازمان آموزشی نوعی احساس ارزشمندی، ارزیابی و رضایت از سازمان آموزشی است که در آن ملاک‌های تحصیلی معیار سنجش است و یکی از عوامل عزت نفس تقوا پیشه نمودن است، تقوا عزت‌آفرین است؛ زیرا تقوا نیروی روحی، متعالی و مقدس است که منشأ کشش‌ها و گریزها می‌شود؛ کشش به سوی معنویت و گریز از پستی‌ها و آلودگی‌ها و نتیجه آن مسلط شدن انسان بر خود است و عزت نفس باعث انگیزه و تلاش در کار، فعالیت، آموزش، احساس مسئولیت، توسعه اقتصادی و رفع نیازهای فردی، حیاتی، فکری و در نتیجه به بینش و بصیرت انسان منتهی می‌شود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن فارس، احمد، (۱۹۴۶)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار الجیل.
۲. ابن منظور انصاری، محمد بن مکرم، (۱۳۶۳)، لسان العرب، قم: ادب حوزه.
۳. حرانی، حسن بن شعبه، (۱۴۰۴)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴)، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر الكتاب، الطبعة الثانية.
۵. سیف، علی اکبر، (۱۴۰۰)، روان شناسی پرورشی، تهران: دوران.
۶. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۳۹)، الامالی، ترجمه محمدباقر کمره ای، تهران: کتابخانه اسلامیه.
۷. طبرسی، فضل بن محمد، (۱۴۱۵)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه اعلمی للمطبوعات، الطبعة الاول.
۸. طبرسی، میرزاحسین، (۱۳۶۵)، مستدرک الوسائل، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۹. قرائی مقدم، امان الله، (۱۳۷۵)، مدیریت آموزشی، تهران: ابجد، چاپ اول.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، فروع کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۱. گاگن، بریجز واگر، (۱۳۷۴)، اصول طراحی آموزشی، ترجمه خدیجه علی آبادی، تهران: دانا.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، تهران: موسسه الوفا.
۱۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا.
۱۴. نراقی، مهدی، (۱۳۷۶)، جامع السعادات، ترجمه سید جلال الدین، مجتبی، تهران: حکمت.